

عزاداری آنجایی که با احساسات و عواطف گره می خورد، امری زنانه تعبیر می شود. در گذشته هم زنان در احیای آیین و مناسک عزاداری به‌ویژه در محرم نقش‌آفرین بودند. با محتوای خاص زنانه هویت خود را ذیل این مراسم تعریف می کردند، اما حالا با تغییر سبک زندگی و جامعیت یافتن هیات اجتماعی، تعدد روضه‌های خانگی و مجالس زنانه کاهش یافته. از نظر شما حذف یا به حاشیه رفتن هیات‌های زنانه چه آسیب‌هایی برای زن و خانواده خواهد داشت؟

هیات‌های زنانه تاریخ معاصر ایران را که بررسی می‌کنم، از خیلی قبل، وقتی مجلس عزاداری امام حسین شکل می‌گیرد، مجلس‌ها و روایت‌هایی در این زمینه نازل می‌شود؛ روایت‌هایی که ناظر به مجالس زنانه هستند. مجالسی که زنان خودشان آن را برنامه‌ریزی می‌کنند، برگزار می‌کنند و سوگواری می‌کنند. حرکت خود حضرت زینب که در تمام منازل اسارت روضه‌خوانی می‌کنند و این فرهنگ را احیا می‌کنند، نسل به نسل به ما منتقل شده. نکته دیگر این است که با حذف این هیات‌ها و ادغام‌شان در هیئت‌های بزرگ، زنان ما بخشی از کنشگری اصلی‌شان را از دست دادند. کنشگری که در گذشته برای ما خیلی آورده داشته. مثلا در گذشته‌هایی از ازدواج‌های ما از این مجالس شروع می‌شد. آشنایی خانواده‌ها در هیات‌های زنانه شکل می‌گرفت، هویت دختران در هیات‌ها و مجالس زنانه شکل می‌گرفت. روضه‌های خانگی برای ما جنبه هویت‌ساز داشت. کودک و نوجوان در روضه‌نقش داشت، مسئولیت داشت، مثلا پذیرایی می‌کرد. تربیت دینی از همان زمان که مادران بچه‌ها را در هیات‌ها شیر می‌دادند شکل می‌گرفت.

نکته دوم اینکه تربیت‌های دینی برای دختران ماهویت دینی می‌ساخت. شما این دختر را می‌خواهید ببرید در هیاتی که محتوا صرفا برای مرد است. تمام آنچه که به او القا می‌شود، بار مردانه دارد. در حالی که در هیات‌های خانگی خانمی که روضه می‌خواند، حتی آقایی که روضه می‌خواند، متناسب با مجلس زنانه روضه می‌خواند. یعنی هویتی که قرار بوده بز ن‌ها بدهد، به‌عنوان هویت دخترانه یا هویت زنانه بود. ظرافت داشت. ظرافت‌هایی بود که با ادغام هیات زنانه در هیات‌های اجتماعی این ظرافت‌ش را از دست داد. من همیشه در ذهنم بود که هیات‌های زنانه برای ما سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. سرمایه اجتماعی به این معنا که چیزی که برای ما ارزش و هنجار است را انتقال می‌دهد. مثلا اگر در محله مشکلی بود، خانم‌های هیات حل‌کننده آن بودند، زن بدسرپرستی بود، بیوه بود، تمام این‌ها حول آن محله و هیات می‌چرخید و حل می‌شد. همبستگی اجتماعی به‌شدت افزایش پیدا می‌کرد. یعنی یکی از کارکردهای مهم این سرمایه اجتماعی ایجاد و تشدید همبستگی میان اقوام یا همسایه‌ها بود.

حالا که به کارکردهای آن اشاره کردید، آسیب‌هایی که متوجه هیات‌های زنانه هست را هم کمی شرح دهید؟

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که حالا متوجه سفره‌ها و هیات خانگی شده و همین امر هم موجب به حاشیه‌رفتن این مناسک شد، تجمل و درگیر شدن با تجملات چه در مدل برگزاری و پذیرایی و چه در مورد زینت خانه و صاحب خانه. البته در شهرهای مذهبی و شهرهای کوچک هنوز هم هیات‌های زنانه به تجمل آراسته نشده است. ما الان هیات‌های خانگی داریم اما متأسفانه بعضی‌شان به تجمل آلوده ایجاد و تشدید همبستگی میان اقوام یا همسایه‌ها بود.

حالا که به کارکردهای آن اشاره کردید، آسیب‌هایی که متوجه هیات‌های زنانه هست را هم کمی شرح دهید؟

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که حالا متوجه سفره‌ها و هیات خانگی شده و همین امر هم موجب به حاشیه‌رفتن این مناسک شد، تجمل و درگیر شدن با تجملات چه در مدل برگزاری و پذیرایی و چه در مورد زینت خانه و صاحب خانه. البته در شهرهای مذهبی و شهرهای کوچک هنوز هم هیات‌های زنانه به تجمل آراسته نشده است. ما الان هیات‌های خانگی داریم اما متأسفانه بعضی‌شان به تجمل آلوده

عظیم شبیری، پژوهشگر خانواده و جنسیت و فعال حوزه کودک و نوجوان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دچار خلأ محتوایی کودک و نوجوان هستیم

شده و گاه از فلسفه اصلی‌شان دور شدند. می‌خواستیم فرهنگ حزن، فرهنگ عاشورایی و هویت دینی را منتقل کنیم. اما الان بیشتر شبیه نمایش سبک زندگی مدرن شده است. مثلا در گذشته ما در محله خودمان برای تمام مناسبت‌های مذهبی مراسم داشتیم یا هیات‌های هفتگی برگزار می‌شد، همه چیز ساده بوده و برگزاری این مراسم راحت بود. اما آراسته شدن هیات‌ها به تجمل خودش باعث کم‌رنگ‌تر شدن و از بین رفتن آنها می‌شود. در سال‌های اخیر، کرونا هم مزید بر علت بود. همه اینها موجب شد، همبستگی و هویت از هیات‌ها گرفته شود و محتوا یا المان اصلی منتقل نشود. همین‌ها هم باعث شدند که احیای مجدد هیات‌ها به دشواری خاص خودش روبه‌رو شود.

شما هیات‌ها و مجالس زنانه را سرمایه اجتماعی می‌دانید. حالا با توجه به اینکه این سرمایه اجتماعی به حاشیه رفته چطور می‌توان آن را دوباره احیا کرد یا از ظرفیت‌های آن بهره‌مند شد؟

درست است، بزرگ‌ترین کارکرد این هیات‌ها سرمایه اجتماعی بوده که حالا دچار نوعی خلأ شده است. برای احیا و بهادادن به روضه‌های خانگی هم وجود دارد. یکی از راهکارهایی که بوده، از جانب خود همین برگزارکنندگان روضه‌ها مطرح می‌شد، مثلا خانم‌هایی که مداح و روضه خوان بودند، خودشان اعلام می‌کردند در ایام محرم رایگان روضه می‌خوانند یا مثلا یک نفر اعلام می‌کرد هر هیاتی برگزار شود، بانئ پذیرایی خواهد شد. این کارها توانست مجدد روضه‌های خانگی و مجالس را احیا کند. اگر قرار باشد این هیات‌ها مجددا احیا شود، گام ابتدایی را خود مردم و خود بانیان باید بردارند. احیای دوباره این فرهنگ کاملا مردمی است.

بعضا زنان عرب که برای عزاداری به حرم امام رضاع (یا حرم حضرت معصومه(س) می‌آیند، نوع خاصی از سبک عزاداری دارند یا نوع خاصی از سینه‌زنی را اجرا می‌کنند، آیا این ظرفیت در ایران هم وجود دارد؟ ما هم می‌توانیم به یک مدل خاص سینه‌زنی زنانه برسیم؟

این فضا در شهرهایی که قومی قبیله‌ای هستند در ایران هم وجود دارد، خودشان سبک خاصی دارند. مثلا اهوازی‌های مقیم قم، این‌ها را که می‌بینید، حتی با اینکه در شهر خودشان ساکن نیستند، نوع خاص و سبک خاصی از عزاداری دارند.

این‌ها سبک قومی قبیله‌ای است. اما شاید بهتر است در کنار استفاده از ظرفیت‌ها و با حفظ مدل عزاداری هر قبیله، آشنایی میان این آداب و سنن صورت بگیرد و به سبکی از عزاداری برسیم. مثلا اگر در منطقه‌ای پنج قوم زندگی می‌کنند، هر روز یکی از این اقوام با همدیگر مراسمی بگیرند که این مدل خاص از عزاداری موجب انفکاک آنها نشود و این مراسم مشترک میان این اقوام همبستگی ایجاد کند. پس از آنکه این همبستگی ایجاد شود، هیات‌ها در تمام طول سال برقرار خواهد بود. این می‌تواند موجب پویایی فرهنگ هم بشود. این کار تنها یک متولی می‌خواهد. کسی که بانئ آشنایی فرهنگ‌ها و اقوام متعدد با یکدیگر شود.

در تاریخ بعد از عاشورا ما مدل جدیدی از عزاداری داریم، مثلا راه‌اندازی دسته‌های عزاداری توسط زنان، اولین جماعتی که با عنوان دسته با ذکر مصیبت مسیری را طی کرد، به‌خواست حضرت ام‌البنین بود که در استقبال

و حیده علی میرزایی، پژوهشگر حوزه زنان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

هیات‌های خانگی به نیازهای خانواده بهتر پاسخ می‌دهند

ضروری است. تعاریف منفی و نگرش‌های منفی درباره مجالس زنانه ممکن است به‌عنوان یک آسیب در نظر گرفته شوند. دلایلی که ممکن است منجر به بروز این تعاریف منفی شوند، می‌تواند عبارت باشد از:

۱ **احیای هویت:** عزاداری خانوادگی می‌تواند به خانم‌ها در بازیابی و بهبود هویت شخصی و دینی‌شان کمک کند. این مدل عزاداری فضایی را برای بیان اعتقادات، ارزش‌ها و شناخت خود فراهم می‌کند.

۲ **تقویت ارتباط خانوادگی:** ارتباط بین اعضای خانواده می‌تواند توسط عزاداری خانوادگی و همکاری در فعالیت‌های مشترک و تبادل تجربه‌ها و احساسات بهبود یابد. این مدل عزاداری فرصتی را برای ارتباط نزدیک‌تر و تقویت واحد خانواده فراهم می‌کند.

۳ **تربیت دینی و اخلاقی:** هیات‌های خانگی می‌توانند محتوای تربیتی برای نوجوانان و اعضای خانواده فراهم کنند. از طریق برگزاری مراسم، روضه‌خوانی، سخنرانی‌ها و درس‌های دینی می‌توان به تقویت معنویت و ارزش‌های اخلاقی در خانواده پرداخت.

۴ **ایجاد فضای خصوصی:** عزاداری خانوادگی می‌تواند فضایی را برای خانواده‌ها فراهم کند تا در آرامش و بیرون از ضجه جامعه به عزاداری بپردازند. این فضاها مکانی برای تأمل، آرامش و انعکاس بر اعتقادات و ارزش‌های خانواده ارائه می‌دهند.

اگرچه هیات‌های اجتماعی همچنان ارزشمند و کاربردی هستند، اما هیات‌های خانگی با کارکردهای متفاوتی می‌توانند به نیازها و شرایط خانواده و اعضای آن بهتر پاسخ دهند. هیات‌های خانگی بیشتر به مشارکت و فعالیت خانوادگی، نزدیکی و تقویت ارتباطات داخل خانه و تأمین فضایی آرام و امن برای بیان هویت و ارزش‌ها تمرکز دارند. درحالی‌که هیات‌های اجتماعی بیشتر بر فعالیت‌ها و مشارکت‌های بیرون از خانه و ارتباط با جامعه تمرکز دارند. بنابراین، هیات‌های خانگی و اجتماعی با کارکردهای خاص خود، براساس نیازها و تمایلات خانواده‌ها متفاوت خواهند بود و هرکدام در تقویت وحدت و هویت خانواده می‌توانند موثر باشند.

نگاه یکجانبه به این مساله هم چندان درست نیست. بی شک این مجالس در عین اینکه کارکردهایی دارند، آسیب‌هایی هم خواهند داشت. می‌توانید آسیب‌شناسی از این مجالس هم داشته باشید؟
متأسفانه ما حالا با یک آسیبی مواجه هستیم و آن هم نگرش منفی نسبت به مجالس زنانه است. به نظر‌تان چقدر از این تعاریف منفی را می‌توان به‌عنوان آسیب در نظر گرفت و علت آن چیست؟
درست می‌فرمایید که بررسی آسیب‌شناسی از مجالس عزاداری زنانه نیز

بله، با توجه به اینکه حضور زنان در دسته‌های عزاداری در گذشته به‌عنوان

از کاروان اسرا این کار را کردند. دسته هم نوعی عزاداری زنانه بوده. اما اخیرا شاهد انحرافات از حضور زنان در دسته‌های عزاداری هستیم و چند سال اخیر هم در سطح سیاستگذاری، ممنوعیتی برای حضور دسته‌های عزاداری زنانه قائل شدند. به نظر شما با توجه به اثرگذاری حضور زنان و وجود دسته‌های عزاداری ما می‌توانیم این سنت را در عصر حاضر هم احیا کنیم؟

بله، با توجه به اینکه حضور زنان در دسته‌های عزاداری در گذشته به‌عنوان

از کاروان اسرا این کار را کردند. دسته هم نوعی عزاداری زنانه بوده. اما اخیرا شاهد انحرافات از حضور زنان در دسته‌های عزاداری هستیم و چند سال اخیر هم در سطح سیاستگذاری، ممنوعیتی برای حضور دسته‌های عزاداری زنانه قائل شدند. به نظر شما با توجه به اثرگذاری حضور زنان و وجود دسته‌های عزاداری ما می‌توانیم این سنت را در عصر حاضر هم احیا کنیم؟

مجالس عزاداری زنانه یا خانوادگی چه تاثیری بر خانواده خواهد داشت؟ این تاثیرگذاری چه وجه تمایزی با هیات‌های اجتماعی سطح شهر دارد؟ آثار تربیتی و کارکردهای اجتماعی روضه‌های زنانه و خانوادگی را چطور می‌توان تحلیل کرد؟

خلأ هویتی برای کودک و نوجوان ما الان مساله مهمی است. یکی از جاهایی که می‌تواند خلأ هویتی نوجوانان به‌ویژه دختران را برطرف کند هیات‌هاست. آن هم هیات‌های زنانه و خانگی ای که بتواند محتوای جذابی تولید کرده و از طرفی بتواند معارف را هم منتقل کند و با نشاط باشد و بچه‌ها در این هیات‌ها حس دیده شدن‌شان ارضای می‌شد. دختر‌های نوجوان تمام این حس‌های زیباشناختی‌شان در این مجالس ارضا شده و نیاز به این همه بروز و ظهور اجتماعی نداشتند. این هیات‌ها هم مدام ادامه داشته است. این حس مدام خودش را بروز می‌دهد و ما اینقدر ناهنجاری‌ها را در این سطح نمی‌دیدیم و اگر می‌توانستیم احیا کنیم حتما این سطح از ناهنجاری را نمی‌دیدیم.

شما از یک خلأ هویتی صحبت می‌کنید، ما در چند سال اخیر شاهد نوعی خلأ محتوایی ویژه کودک و نوجوان هستیم. این خلأ متوجه فضای مذهبی یا انتقال ارزش‌های دینی هم می‌شود. یکی از راهکارهایی که در این حوزه ارائه دادند، تولید مداحی‌های استودیویی است. با توجه به اینکه حوزه مطالعاتی شما کودک و نوجوان بوده، آیا این مدل از تولید محتوا می‌تواند پاسخگوی نیاز کودک و نوجوان باشد؟ تحلیل شما از آسیب‌های مداحی‌های استودیویی چیست؟

ما الان در فضای مداحی دقیقا همان کاری را می‌کنیم که در فضای موسیقی داریم. یعنی همان‌طور که در موسیقی سلبریتی پرورش می‌دهیم، در مداحی هم همین کار را انجام دادیم. بچه‌مذهبی‌ها الان به یک سمتی رفتند که می‌گویند کراش دارم بر این مداح و بچه‌های غیر مذهبی هم این‌طور شدند که می‌گویند کراش دارم و فلان خواننده. یعنی فضای متمایزی وجود ندارد. دقیقا همان اتفاقی که برای بچه غیر مذهبی اتفاق افتاده در قالب دین و ربوبش دینی دادن به این قضیه، برای بچه سلبریتی‌سازی می‌کنید. درحالی‌که در قدیم چنین چیزی نبود. جایگاه مداحی برای امام حسین(ع) آنقدر عظیم بود و شأن داشت، طرف حاضر نبود خودش را به‌عنوان سلبریتی به خرد نوجوان بدهد و همه چیز محتوا محور بود. ما خودمان در همین هیات‌ها رشد کردیم و مسئولیت داشتیم و هر کسی یک نقشی داشت.

حالا ما اینها را ادغام کردیم در فلان هیات معروف یا فلان مداح معروف. عملا نوبتی به نوجوانان نمی‌رسد نسل نوجوان که می‌خواهد مشارکت کند و اتفاقا باید این مشارکت را هم یاد بگیرد باید بتواند این ارزش‌ها را رواج و انتقال دهد. ارزشی هم که نوجوان با آن مانوس نشده باشد آنقدر ماندگاری نخواهد داشت و نمی‌تواند پدیده‌ی شود. سلبریتی با شهرت گره خورده و در دین ما از شهرت نهی شده و هیچ تفاوتی میان سلبریتی موسیقی و مداحی وجود ندارد. آدم‌هایی که مداح هستند اگر درصدی اشتباه بروند و خطایی کنند، تمام ارزشی که از دین برای نوجوان ویا کودک مخاطبش ساخته به‌هم می‌ریزد و این آسیب بزرگی است و روح بچه آسیب می‌بیند.